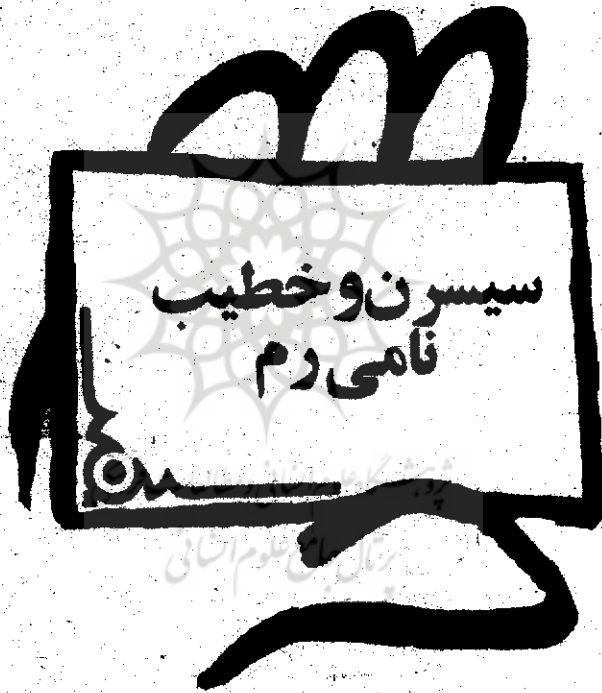


ترجمه و اقتباس : رضا عرفان

از اسنهان



تقدیر چنین میخواست که مارکوس تولیوس ، فیلسوف ، سیاستمدار و شاید بزرگترین وکیل دعاوی رم ، در زمانی غولها زندگی کند (۱) .
شخصیت های ممتازی که معاصر این مرد نامدار بودند عبارتند از :
ماریوس ، سولا ، پمپی ، ژول سزار و مارک آنتونی.

در آنموقع جمهوری قدیم روم که با افتخار پایه گذاری شده و عدالت و مساوات را برای ملت بارمغان آورده بود ، بر اثر توطئه و جنگهای داخلی متزلزل گردیده بود.

دیکتاتورهای خودخواه آمدند و رفتند و نهال استبداد را برنشانند ، این نهال در آنموقع به درختی کهن تبدیل شده بود . سیسرون (۲) آخرین مدافع آزادی بود که قصد داشت درخت کهن را از ریشه برکند ولی زورش نرسید .

او معتقد بود که کلمات شمشیر ها را غلاف می کند و با وجود اینکه سخنانش شمشیر هارا از کار انداخت ولی سرانجام سرنیزه پیروز شد ! دشمنانش او را خراب کردند ، اما نفوذ اخلاقی و روشنی فکر و درخشندگی اثر ادیبانه اش تأثیر جاودانه ای در فرهنگ غرب گذارد که تا امروز باقی است .

آثارش که نسخ دست نویس آن ، پس از اختراع ماشین چاپ ، مانند کتاب مقدس مکرر بچاپ رسیده است ، در زمره بهترین آثار ادبی جهان بشمار میرود.

در هر عصری از اعصار هر جا که آزادی بخطر افتاده است ، روشن فکران اعمال سیسرون را مد نظر قرار داده و او را الهام بخشی خود دانسته اند .

رهبران انقلاب کبیر فرانسه با این آزادیخواه یونانی خود را مقایسه میکردند و مقام او را برتر میدانستند زیرا او بود که قانون را مافوق همه چیز میدانست و تمام دوران زندگی خود را وقف دفاع از آزادی در برابر ظلم و تمدی نمود .

بنیان گزاران امریکای جدید مغرورانه ادعا می کنند که در نوشتن اعلامیه استقلال امریکا از سیسرون الهام گرفته اند .

از نوشته ها و آثار متعددی که از او باقیمانده . او را بهتر از هر شخصیت

باستانی می‌شناسیم . او را يك سیاستمدار، پدر مهربان ، رفیق شفیق و دوستدار کتاب و علم و معرفت میدانیم .

تعلیم و تربیت و خدمات اجتماعی و سیاسی او:

مارکوس در يك دهكده كوچك بنام اریپنوم (۳) در سوم ژانویه ۱۰۶ قبل از میلاد بدنیا آمد. پدرش مردی حرفه‌الحال بود. و می‌توانست فرزند خود را از بهترین شیوه تعلیم و تربیت زمان بهره‌مند کند . او دوفرنزند با استعداد خود را بر برد تا تعلیم و تربیت کامل ببینند (۴) و از دیگر همسالان خود پیشی گیرند .

سیسرون در رم و آتن و رودس فلسفه و حقوق تحصیل کرد (۵)

سیسرون خود و کالت پیشه کرد و با نطقهای تابناک و دلیرانه اش طبقات متوسط و توده مردم را شیفته خود ساخت . وی یکی از مقربان سولا را مورد تعقیب قرار داد و در گرماگرم حکومت ادعایی سولا (۸۰ پیش از میلاد) احکام طرد و تبعید را سخت نیکوید . چندی بعد شاید برای آنکه از کین خواهی آن خودکامه بر حذر باشد به یونان رفت و تحصیلات خویش را در دلفن خطاب و فلسفه دنبال گرفت .

پس از سه سال اقامت دلفن در آتن به رودس سفر کرد و در آنجا از تقریرات آپولونیوس Apollonius فرزند مولون Molon در دلفن خطاب و افادات فلسفی پوسید و نیوس Poseidonius بهره یاب شد .

از استاد نخستین : شیوه جملات مقطع و خلوص گفتار را که بعدها مشخص اسلوب اوشه فرا گرفت و از استاد دوم مذهب اعتدالی دررواقی گری را که بعدها در رسالات خود راجع به دین و دولت و دوستی بتفصیلش پرداخت . (۶)

مارکوس جوان از اوان زندگی عشق و علاقه مفرطی به کارهای اجتماعی نشان میداد . در ۲۲ سالگی رساله ای در دلفن فصاحت نوشت و در ۲۷ سالگی اولین دفاعنامه مفصل خود را قرائت نموده شجاعت و استعداد خویش را معرفی کرد و چون بسن سی سالگی رسید به روم بازگشت . در اینموقع با دختری

بنام ترنسیا **Terentia** که خیلی متمول بود ازدواج نمود و با استفاده از ثروت هنگفت او توانست بفعالیت‌های سیاسی بپردازد .

در ایام دیکتاتوری سیلا یکی از مقربان وی موسوم به کریزگنو **Chrysogonuy** که میخواست دارائی رسیوس **Roscius** نامی را تصاحب کند بقتل وی اقدام کرد و املاکی را که سه میلیون فرانک قیمت داشت بهزارو سیصد فرانک خرید ، بعد بخاطر اینکه از مجازات ایمن باشد تهمت قتل پدر را بگردن پسر رسیوس نهاد ، سیسرون دفاع جوان را تمهد نمود و حکم برائت او را صادر کرد (۷)

سیسرون با دلائل محکمی در دادگاه علیه سولا نطق کرد و رژیم پوسیده حکومت او را بیاد افتاد گرفت . بخاطر این دفاع رشیدانه ظرف دو هفته سیسرون در سراسر روم مشهور شد و بنام زبان مردم روم معروف گردید .

در اینموقع بر اثر فشار مخالفین شهر رم را ترک کرد و مدت دو سال باتفاق برادرش کوئین توس **Quintus** به یونان و آسیای صغیر رفت و در محضر علمای آن دیار حضور یافت و از فضل و دانش آنان بهره‌مند شد و فن خطابه و سخنرانی را بخوبی آموخت .

پس از مرگ سولا دیکتاتور خون آشام روم . سیسرون بزادگاه خود بازگشت .

دفاع از مردم سیسیل - دفاع از مردم سیسیل را باید یکی از بزرگترین و مهمترین کارهای اجتماعی سیسرون دانست . مردم جزیره سیسیل که در آنموقع جزء امپراطور روم محسوب میشدند ، مدت پنجسال بود تحت رژیم دیکتاتوری مردی بنام کایوس ورس **Gaius vrres** وضع بسیار بدو ناگواری داشتند و چون آوازه شهرت سیسرون را شنیدند باو متوسل شدند که در دادگاه از حقوق آنها دفاع کند .

سیسرون به دادگاه آمد. هیئت منصفه را سناتور ها تشکیل داده بودند سیسرون طی خطابه غرایی حقانیت مردم سیسیل را ثابت کرد و ورس را محکوم نمود . امروز که بیش از دوهزارسال از آن تاریخ میگذرد ، هر وقت کسی

نطق های سیسرون را میخواند لرزه بر اندامش می افتد و احساساتش تحریک میشود و قلبش به طیش در می آید .

سیسرون ورس را محکوم کرد که تمام مجسمه های معابد را دزدیده و برای تکمیل موزه شخصی خود به منزل برده و مالیات زیادی از کشاورزان گرفته و آنها را بدبخت و بیچاره کرده است این خطابه ها با اسم و پدین Verrines معروف است .

قسمتی از يك خطابه را که در همین دادگاه خوانده از تاریخ البرماله نقل می کنیم :

د درمیدان عمومی مسین Messin یکنفر را که از حقوق مدنی رومی بهره مند بود چوب میزدند ، درمیان درد و مشقتی که آن بدبخت تحمل می کرد ، در اثنای ضرباتی که میخورد صدایش بلند بود ، از دهان وی جز کلمات ذیل شکایتی شنیده نمیشد : من یکنفر هموطن رومی هستم ! تصور می کرد با اسلحه این عنوان میتواند مانع کار جلادان شده و خود را از شکنجه های بیرحمانه آنان محفوظ دارد ، اظهارات وی مجازات را متوقف نکرد . برعکس در حالتیکه هزار بار پی در پی رومی بودن خود را بزیان آورد . صلیبی برای این بدبخت که هیچوقت چنین استبداد را باور نمیکرد برافراشتند ورس سنگدلی را بجائی رسانید که چوبه دار را درست رو بروی ایتالیا برپا داشت تا آن بدبخت که زیر شکنجه جان میداد برای العین مشاهده کند که منطقه آزادی و سرزمین بندگی با يك ترعه تنگ (۸) از هم جدا شده اند تا بداند که ایتالیا بسته بودن یکی از فرزندان خود را بآلت عذاب و دچار گفتن او را بقوتی که مخصوص غلامان است مشاهده خواهد کرد (۹)

این اعمال زشت و ناپسند ورس موجب خشم عامه شد . در نتیجه دفاع سیسرون ورس محکوم به پرداخت چهل میلیون لیره جریمه شد و بخارج از کشور گریخت . سیسرون پنج خطابه دیگر را که برای دادگاه انعام کرده بود و در آنها به نادرستی رومیان در ایالات یی پروا تاخته بود منتشر کرد . شور حرارت و دلیری سیسرون چنان مهر او را در دلها جای داد که

چون در سال شصت و سه پیش از میلاد نامزد کنسولی شده. با رأی زبانی مردم به این مقام رسید (۱۰)

دفاع از حقوق مردم در ماجرای کاتیلینیا - انتخابش بعنوان
خزانه دار رم موجب شد که بعضویت مجلس سنا در آید و در دستگاه حکومت آنزمان مقام شامخی را اشغال کند.

سیسرون در ۶۴ پیش از میلاد بعنوان کنسول انتخاب شد و این مقام بزرگترین مقام دولتی رم بحساب می آمد. در آن موقع دو کنسول برای مدت یکسال انتخاب میشدند که قوه مجریه جمهوری را بعهده داشتند. شخصیت ممتاز سیسرون کنسول دیگر را تحت الشعاع قرارداد و زمام امور تمام کارها بکف با کفایت او سپرده شد.

سیسرون در ایام کنسولی با وضع آشفته و پریشانی مواجه شد. در آن موقع اوضاع رم سخت مفسوش و نابسامان بود. در حالیکه ثروتمندان در باغ های وسیع که همه گونه وسائل تجمل و تفریح برایشان فراهم بود، زندگی می کردند، کارگران و سربازان در دام نزول خواران طماع افتاده بودند و در خانه های متروک و خرابه بسر میبردند و آماده انقلاب بودند.

در این موقع کاتیلین *Catiline* سناتور اشراف زاده که از سیسرون در انتخابات سنا شکست خورده بود دنبال موقعیت میگشت تا از ناراضی کارگران بفع خود استفاده کند.

سالوست مورخ او را باین طریق معرفی می کند: «لوسیوس کاتیلینیا از خانواده های نجیب بود جسم و روحی قوی ولی طبیعتی شرور و فاسد داشت. در جوانی از جنگهای داخلی و آدم کشی و دزدی و تولید نفاق بین مردم محظوظ میشد، بواسطه بنیه قوی، گرسنگی و بیداری تب و سرما و گرما را با نهایت آسانی تحمل مینمود.

اخلاقاً جسور و مکار بود و برپنهان کردن مقاصد خویش قادر، بر مال دیگران حریص و متلف دارائی خویش، و در شهوت رانی بسیار منهمک بود این روح طماع بکارهای صعب الحصول مایل بود. پس از دوره زمامداری

سیلا حرس شدید بر بودن اقتدار پیدا کرد، برای اینکه فرمانروا و صاحب اقتدار شود هیچ اقدام را زشت و هیچ وسیله ای را قبیح نمی‌شمرد؛ در یک شهر پر جمعیت سهولت مردمان هرزه و جانی را دور خود جمع کرد. (۱۱)

کاتیلینا که مصمم بود در صورت لزوم با قوه قهریه حکومت را بدست آورد تمام نارضی ها و ماجراجویان و اوباش و اجامر را که منتظر تحولات و تغییرات بزرگ در اوضاع حکومت بودند دور خود جمع کرد و بدین طریق خویشتن را رئیس یک حزب انقلابی بسیار مهم معرفی کرد. بنا بر این وقتیکه در سال ۶۴ داوطلب مقام کنسولی شد تمام اعتدالیون و تمام محافظه کاران و کسانیکه بحفظ اموال خود و حکومت موجود میکوشیدند باهم متحد شدند و سیسرون را در مقابل کاتیلینا برانگیختند و برای مقام کنسولی نامزد کردند. سیسرون مجدداً بطبقات متمول نزدیک شده میخواست از سناتورها و شوالیه‌ها یک حزب اعتدالی تشکیل دهد، چون در آن موقع او را بهترین مدافع نظم و قانون میدانستند بدینجهت انتخابش نمودند.

سال بعد نیز کاتیلینا پس از عدم موفقیت در انتخابات تصمیم گرفت بقوه قهریه متوسل گردد و سیسرون را که در آنوقت کنسول بود بکشد و شهر را آتش بزند.

سیسرون که از نقشه ایشان آگاه شد در سنا نطقی مبنی بر توطئه های مخفیانه دشمنان وطن ایراد کرد و کاتیلینا را که در جلسه حضور یافته بود مورد خطاب قرارداد و طی سخنانی چنین گفت :

« کاتیلینا تا کی از صبر و حوصله ما استفاده خواهی کرد؟ این تهور و لجاج گسیختگی در چه حد خواهد بود؟ نه مستحفظینی که شبها بسر فراز تپه پالاتن پاسیانی میکنند، نه جوقه های قراولان که در شهر پراکنده اند، نه وحشت ملت، نه تهاجم وطن پرستان، نه این محل امن که جای انعقاد سناسات نه گناه و نه صورت اشخاصی که ترا احاطه کرده اند از بی شرمی تو نمیکاهد. ای روزگار! ای اخلاق! سنا از تمام این دسائس خبردار است و کنسول آنها

را می بیند و هنوز کاتیلینا زنده است ؟ چه میگویم ؟ او بسنا میآید و کسانی را که میخواهد هلاک کند با مشاهده چشم انتخاب می کند ، (۱۲)

کاتیلینا تاب مقاومت نیاورد و به اتروری یا اتروریا یا *Etruria* واقع در ایتالیا فرار کرد و در آنجا سپاهی مرکب از بیست هزار تن فراهم ساخت ولی نتوانست کاری از پیش برد .

در اینموقع عده ای از توطئه کنندگان دردم باقی بودند ولی سیسرون دلیل قاطعی نداشت تا بتواند آنها را توقیف کند. اما بی احتیاطی خود آنها سند بدست او داد، دسیسه کنندگان بچند نفر از نمایندگان گل که به رم آمده بودند مرا سلاتی خیانت آمیز سپردند ، نمایندگان مزبور با آنها خیانت کردند .

سیسرون در سوم نوامبر ۶۳ سنا را منعقد نمود و پنج نفر از سران توطئه کنندگان را احضار و اسناد خیانت را با آنها نشان داد ، آنها نتوانستند انکار کنند در نتیجه محکوم باعدام شدند .

کاتیلینا نیز که قشونی فراهم کرده بود شکست خورد و کشته شد (ژانویه سال ۶۳) سیسرون میتواندست سوگند یاد کند که جمهوری را نجات داده است. اما دستگیری و اعدام مخالفین ، بهانه بدست دشمنان سیسرون داد.

او را متهم به قانون شکنی کردند ، خانه اش را خراب و اموالش را مصادره نمودند و سپس در زمان کنسولی سزار ، سیسرون را ببهانه اینکه در قتل شرکاء جرم کاتیلینا بصورت نامشروع و غیر قانونی عمل کرده بخارج تبعید کردند .

چندی بعد طی نامه ای بیکی از دوستان خود در مقدونیه چنین مینویسد :
 « من از زندگی سیر شده ام بدبختی از هر طرف بمن روی آورده است ، اما چرخ زمان بمقبر برگشت و دوستان مقتدراو ، وی را از تبعید فراخواندند و سناهم خساراتی را که باو وارد شده بود پرداخت و خانه ناطق معروف دو مرتبه ساخته شد .

در اینموقع ملت روم در آستانه جنگهای داخلی قرار داشت . پمپی و سزار با هم زور آزمایی میکردند. ابتداء با یکدیگر متحد بودند ولی بعداً

با هم بجنگ پرداختند. سیسرون از جاه طلبی آنها در رنج و عذاب بود. گاهگاهی از خانه خارج میشد و بصحرا میرفت تا محیط مناسبی برای تفکر و نوشتن بیابد.

تسلط سیسرون بادییات - سیسرون در فن خطابه و نگارش مطالب تسلط بسزائی داشت.

ویل دورانت مینویسد: « پنجاه وهفت خطابه ای که از سیسرو بدست ما رسیده از همه رازها پرده بر میدارد. این خطابه ها آیاتی هستند در باز نمودن يك جنبه، يك مسأله، یا يك روحیه و دفع ملال شنونده بیاری مطایبه و حکایت گوئی و برانگیختن غرور و تعصب و عاطفه و حس میهن پرستی و ترحم و آشکار ساختن بیرحمانه عیوب واقعی یا مسموم و ظاهری یا باطنی مخالفان یا موکلان وی و عطف ماهرانه توجه از نکات غیر مساعد و باران پر شههای بدیمی بقصد دشوار ساختن یا زیانمند کردن پاسخ و انباشتن تهمت در جملات مقطعی که عباراتشان چون تازیانه گزنده است و چون سیل، شکنده. خطیب در این گفتارها دعوی انصاف ندارد، قصدش بیشتر بدنام کردن است تا نکوهیدن، در تقریراتش از آن آزادی هرزه گوئی که اگر چه در نمایش خانهها ممنوع بود، در میدان بزرگ شهر مجاز شمرده میشد، بقایت بهره می برد.

سیسرو از بکار بردن لفاظی چون «خوك» «مودی» «قصاب» و «سگین» در حق قربانیان خویش اباها ندارد و در جای دیگر میگوید: «خطابه های سیسرو بیشتر از خود پرستی و لفاظی آکنده است تا از صفای اخلاقی و خرد حکیمانه و حتی زیرکی و ژرف بینی دادرسانه»

همین مورخ در جای دیگر مینویسد: « بیگمان هیچکس پیش یا پس از سیسرو به لاتین با چنان روان و جذبه دلفریت و پرشور و پر لطف سخن نگفته است» قیصر در اهداء کتاب خود « در باره تشبیه» به سیسرو نوشت: « تو همه گنجینههای سخنوری را از نهانگاه بر کشیدی و خود نخستین کسی بودی که از آنها بهره گرفتی. از اینرو بر رومیان منتی بزرگ نهادی و زادگاه

خویش را حرمت افزودی. تو برچنان نصرتی دست یافتی که فقط بهره بزرگ ترین سرداران تواند شد. زیرا گستردن مرزهای اندیشه آدمی کاری ارجمند تر از افزودن برپهنه امپراطوری روم است.

سیسرون بادیات لاتین و یونان تسلط کامل داشت باشر شیوای خود افکار فیلسوفان یونان را برای هموطنان خود ترجمه میکرد و باین ترتیب افکار دانشمندان باستانی یونان را بادیات روم وارد نمود بعضی از کتابهایش از زبان یونانی با جرح و تعدیل‌هایی اقتباس شد. و بعضی از آنها اصلی و اساسی و دارای مأخذ معتبر است.

و خطابه هائیکه سیسرون ایراد کرده بعضی از نوع سخنوری سیاسی و بعضی قضائی یا تشریفاتی است و بیش از صد فقره است و از آن جمله نزدیک بیک نیمه دردست است و باقی از میان رفته است.

خطابه دفاعیه میلون **Milon** شاهکار سخنوری قضائی اوست. خطابه های قضائی و حتی سخنوریهای تشریفاتی سیسرون غالباً جنبه سیاسی نیز دارد، از جمله خطابه های قضائی معروف او در اقامه دعوی بر شخص ورس نام بود که در حکومت سیمیل (صقلیله) تعدی و اجحاف بسیار کرده بود. از خطابه های سیاسی او آنچه معروف تر است، سخنوری‌هایی است که در قضیه کاتیلینا نموده و چندین خطابه که به مخالفت انتونیوس ایراد کرده و آن خطابه ها را بر حسب مشابهت با خطابه های دموستنس که به مخالفت فیلیپوس ایراد شد. فیلیپیک **Filippik** خوانده اند. (۱۳)

معروفترین آثار سیسرون خطابه های اوست که از آنها ۵۷ خطابه و قطعاتی از ۲۰ خطابه دیگر دردست است. (۱۴)

نامه های سیسرو و نامه های وی بهتر از هر مرجع دیگر اوضاع سیاسی و اجتماعی روم را در عصر خود نشان میدهد.

سیسرون استاد مسلم نثر لاتین است و سبک وی در ادب و خطابه به منتهی درجه خالص است. سیسرون ۸۰۰ نامه که با نثر دلنشینی نوشته شده به گنجینه ادبیات جهان افزوده است. (۱۵)

این نامه ها ، نامه هایی بوده است که خطیب به دوستان و نزدیکان و شخصیت‌های برجسته مملکت نوشته است . نصف این نامه ها را خطاب به پمپنیوس اتیکوس **Pomponius Atticus** بهترین دوست و مشاور خود در سیاست نوشته است .

نپوس **Nepos** می‌گفت : « آنکس که این نامه ها را بخواند ، بتاريخ آن زمانها نیازی نخواهد داشت » .

سبک نامه ها غالباً بی تکلف و صریح و سرشار از مطایبه و نغز گوئی است . زبان آنها ترکیبی شیوا از وقار ادیبانه و سهولت عامیانه است . این نامه ها جالبترین آثار سیسرون و برآستی جالب ترین آثار نثر موجود لاتین است .

ویل دورانت پس از بحث مفصلی در پایان مقال مینویسد : « سیسرون زبان لاتین را دوباره آفرید بر واژه های آن افزوده و از آن افزاری انعطاف پذیر برای حکمت و دستمایه ای برای دانش و ادب در اروپای غربی ساخت که هفتصد سال بکار می آمد .

پیشینیان از او بیشتر بنام نویسنده یاد میکردند تا بعنوان کشوردار . چون آدمیان بهرغم تذکاراتش اقتضار مقام قنسولی او را از یاد بردند ، پیروزیهایش را در ادب و گشاده زبانی ستودند و چون خاکیان ، صورت و معنی و دانش و نیرو همه را ارج میگذارند ، سیسرون در جمع رومیان به ناموری تالی قیصر شد .

این استثنائی بود که او هرگز نمی توانست ببخشد ،

عقائد سیسرون راجع بامور دینی و اخلاقی - سیسرون دین

را برای اخلاق فردی و نظام اجتماعی ضرور میدانست . در جایی میگوید : « همه آدمیان برادرند و همه جهان را باید شهر مشترک خدایان و آدمیان دانست . انسان باید نخست ب خود و جامعه اش وفادار باشد تا پیش از همه بنیاد اقتصادی درستی برای زندگی خویش بگذارد و سپس وظایف خود را بعنوان یک

هموطن بیجا آورد. کشور داری خردمندانه از موشکافانه ترین حکمتها
گرا نمایه تر است، (۱۶)

عقائد سیسرو و راجع بکشورداری و طرز حکومت سیسرون
معتقد بود که حکومت سلطنتی بهترین طرز حکومت است. حکومت اشرافی
خوبست اگر برآستی نیک ترین مردمان فرمان رانند، اما سیسرون که خود
از طبقه متوسط برخاسته بود. نمیتوانست باور کند که خانواده های کهن
بهترین مردمانند، او میگفت دموکراسی خوبست اگر مردم دارای فضیلت
باشند و این پدیده سیسرون امری محال می نماید.

بهترین نوع دولت آنستکه مانند دولت روم پیش از گراکوس، از ترکیب
همه این دولتها پدید آید. یعنی از قدرت دموکراتیک انجمنها و اختیارات
مجلس سنا و نیروی کنسولها برای مدت یکسال. سپس میگوید: اگر در
وضع طرز مملکت داری قید و حدودی در کار نباشد حکومت شاهی به استبداد
و حکومت اشرافی به الیگارشی و دموکراسی به حکومت توده عوام و هرج و
مرج و خودکامی تبدیل میشود.

پنج سال پس از آنکه قیصر بمقام کنسولی رسید، سیسرون طعنه ای در
حق او زد:

افلاطون میگوید که از افسار گسیختگی بیحد، که مردم آنرا آزادی
نامند، ستمگران پدید آیند، همچون نهالی که از ریشه بدمد و اینگونه آزادی
ملت را زیر یوغ بندگی درآورد.

افراط در هر چیز ضد آن را پدید کند، کسی که دلیر ویی پروا باشد
و با واگذاری اموال دیگران به مردم خود را محبوب ایشان کند، به چنین
مردی است که وظیفه حراست از مسند حکومت و اگذار شود ویی در پی تجدید
یابد، زیرا وی بحق هراسناک است که بحال يك هموطن عادی باقی بماند.
پس گروهی مسلح برگرد خود بگمارد و بر همان مردمی که وی را بقدرت
رسانده اند ستم آغاز کند. (۱۷)

رابطه سزار با سیسرون - سزار مزدی هوشمند و کنجکاو بود . علاقمند بود که با سیسرون باب دوستی افتتاح کند . با مقامات مهمی پیشنهاد کرد و با هم مکاتباتی داشتند ، بدستور او بسیاری از نوشته‌های سیسرون جمع آوری شد . با وجود اینکه ممکن بود سیسرون در دستگاه فرمانروایی سزار بمقام بزرگی نائل شود چون ذاتاً از دیکتاتوری دل خوشی نداشت .

مدت سه سال از سیاست‌کناره گرفت و بجمع آوری نوشته های خود پرداخت ، ولی ناگهان در مارس ۴۴ قبل از میلاد سزار درسنا کشته شد . سیسرون در توطئه قتل شرکت نداشت . اما باطناً راضی بود که دیکتاتوری از بین رفته است . در یکی از یادداشتهای خود نوشته است :

« آزاد کنندگان ما برای همیشه مشهور شدند ، اما من نمیتوانم بقدر کافی آنها را تمجید کنم ، »

در یادداشت دیگری نوشت : « داس اجل خرمن عمرمه را درو میکند اما من نمیدانم چرا دیکتاتورها در برابر مرگ پافشاری می کنند ، »

بعد از سزار ، مارك آنتونی بمقام کنسولی رسید و به فشار ها و ظلم هایی که سزار در حق ملت روا میداشت ادامه داشت . قشون نیرومندی هم پشتیبان او بود . در اینموقع ناگهان سیسرون درمیان تعجب عامه از گوشه انزوا بیرون آمد وبعضویت سنا انتخاب شد و با اقتوانی دیکتاتور دستوپنجه نرم کرد . سیسرون خود را قهرمان دموکراسی میدانست . هر وقت در سنا نطقی ایراد میکرد مورد تحسین حضار قرار میگرفت و با شجاعتی قابل ستایش به آنتوانی حمله مینمود ، او را بی شرم ، شریر ، ظالم مست و گناهکار اجتماعی و احمق مینامید در یکی از نطقهای خود توجه سناتور ها را بخود جلب نمود و خطاب به آنتوان گفت :

« من در جوانی از جمهوری طرفداری کردم ، حالا که پیر شده ام دست از عقیده خود برنداشته ام من با نهایت خوشحالی خود را در راه آزادی فدا می کنم و حاضرم همه چیز خود را بدهم ولی آزادی را برای ملت خود نگاهدارم ، »

هرگک سیسرون - سیسرون با اداء نطقهای آتشین علیه آقتوان، او را برضد خود برانگیخت. آقتوان با او کتا و همدست شد و بعد از او هم او گوستوس به حکومت رسید دردم یکباره تسلیم حکومت دیکتاتوری کنسولها شد .

نام سیسرون در رأس انقلابیون برضد حکومت نوشته شده بود. در انقلابی که رخ داد تقریباً صد و پنجاه سناتور و دوهزار شوالیه بقتل رسیدند . مشهورترین قربانیهای این سفاکی و بیرحمی سیسرون است که سخت طرف بنض و کینه آقتوان بود ، زیرا آن ناطق بزرگ برضد او نطقهای آتشین کرده بود. وقتی که قاتلین بسر کردگی ارنیوس Herennius بخانه بیلاقی سیسرون رسیدند او عازم سفر بیونان بود.

سیسرون که ضدای تاخت اسبها را شنید تخت روان خود را متوقف ساخته دست چپ را بنا به عادت معمول زیر زنج زده و با نگاه ثابت در قاتلین نگریست . موی ژولیده و غبار آلود و چهره مضطرب و محزونش بقسمی رقت آور بود که وقتیکه ارنیوس او را میکشت سربازان جلو چشم ها را گرفتند ، خود او سر از تخت روان بیرون کرد و تسلیم شمشیر شد . ارنیوس با مر آقتوان اول سر او را برید و بعد دستهایی که خطابه هارا برضد آنتوان می نوشت قطع کرد ؛ (۱۸)

سیسرون در ۶۴ سالگی کشته شد . در طی دوران زندگی دو همسرا اختیار کرد . یگانه فرزند دخترش تولیا Tullia را بشدت دوست میداشت. سیسرون از خود ثروت هنگفتی باقی گذارد .

۱- منظور از غولها سرداران روم بودند که بعضی از آنها بمقام کنسولی یعنی بزرگترین مقام سیاسی زمان خود رسیدند .

ارنست هاووزر Ernest Hauser نویسنده معروف امریکائی که مقالات

تاریخی ریترز دایجست را مینویسد ، مقاله ای تحت عنوان و خطیب زبان طلائی ، در شماره سپتامبر ۱۹۷۱ همین مجله نوشته که راقم این سطور آنرا ترجمه کرده است .

اصل این مقاله از مجله مذکور گرفته شده و هر جا که لازم بوده است از کتب تاریخی و دائرة المعارف های مختلف استفاده شده است .

۲- ویل دورانت در تاریخ تمدن خود تحت عنوان قیسرو مسیح-بخش اول - جمهوری و انقلاب ترجمه آقای حمید عنایت چنین مینویسد: پلوتارک میپنداشت که مارکوس تولیوس را از آنرو سیسرو مینامیدند که یکی از نیاکانش ذکیلی بگونه يك دانه ماش Cicer بتروی بینی داشت ، اما به اغلب احتمال اسلاف سیسرو این لقب را بسبب شهرت در پروراندن نخود بدست آورده بودند .

۳- **Arpinum** ارپینوم در ۶۰ میلی جنوب شرقی رم ، میان رم و ناپل ، در پای تپه های آپنین واقع است .

۴- ویل دورانت مینویسد : پدرش شاعر یونانی ارخیا **Archias** را به آموزگاری مارکوس در ادبیات و یونانی برگماشت و بعد جوان را نزد موسیوس اسکولا **Mucius scaevola** بزرگترین حقوقدان عصر فرستاد تا حقوق بخواند . سیسرو با اشتیاق به دادرسها و کنکاشها در میدان بزرگ شهر گوش میداد و دیری نپایید که فنون و رموز نطقهای قضائی را فرا گرفت و می گفت : و برای کامیابی در وکالت ، فرد باید از همه خوشیها چشم پنهان شود و از همه سرگرمیها پرهیز کند و تفریح و بازی و بزم و حتی همنشینی با دوستان را فروگذارد ،

۵- دائرة المعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب جلد اول

- ۶- ویل دورانت - کتاب سوم .
- ۷- تاریخ آلبرماله - رم ترجمه شادروان زیرک زاده .
- ۸- ترعه تنک مقصود ترعه ملسین است که سیسپلرا از ایتالیا جدا می کند .
- ۹- از خطابه شکنجه و مجازات سیسرون .
- ۱۰- تاریخ ویل دورانت - کتاب سوم .
- ۱۱- از تاریخ آلبرماله .
- ۱۲- از تاریخ آلبرماله - رم .
- ۱۳- آئین سخنوری نگارش شادروان محمد علی فروغی چاپ دانش - تهران - برای استفاده از بعضی خطابه های سیسرون خوانندگان محترم می توانند به این کتاب ذیقیمت مراجعه کنند .
- ۱۴- دائرة المعارف فارسی چاپ تهران و دائرة المعارف کلمبیا چاپ امریکا .
- ۱۵- ویل دورانت تعداد نامه هارا ۸۶۴ مینویسد .
- ۱۶- ویل دورانت . از انسانی و مطالبات فرنگی .
- ۱۷- از یادداشت های افلاطون راجع به طرز حکومت .
- ۱۸- تاریخ پلوتارک - زندگی سزار .

